



Residents' Comprehension and Common Goods in Residential Complexes

Abstract

Social order is a fundamental sociological challenge. Minimal sum of orientation towards the formation of social order is necessary for any society. According to individual interests and ignoring the collective rights are the questions and problems of sociology. One of these situations is residential complexes. Behavioral problems such as irregularities, lack of cleanliness, lack of payment, charge for personal use of public spaces, work unusual hours, a lot of comings and goings of residents and guests, parking, noise in the apartment, including the problems that accumulate due to the absence of realistic tendencies in residential complexes there. So It is difficult to live in residential complex without cooperation and organizing collective action.. As a result, it has been attempted to investigate residents' comprehension about cooperation and its factors through Grounded theory and interviewing with residential complexes residents in Mashhad city. Based on this purposeful sampling, three residential complexes have been chosen and ۱۴ interviews have been done among families in residential complexes. According to findings analysis and coding, four categories have been resulted which seem to form cooperation among individuals, as follows: structural restrictions, individual characterization of cooperation aversion, social relations coordinates actions organization. "Cooperation" is the key concept in the present article which composes of the four mentioned categories

Key words: life style, cooperation, common good, grounded theory.



ادراک ساکنان از همکاری و نفع جمعی در مجتمع‌های مسکونی: مطالعه موردی مجتمع‌های مسکونی شهر مشهد

عطیه صادقی^۱

احمد رضا اصغر پور ماسوله^۲

چکیده

نظم اجتماعی از بنیادی‌ترین چالش‌های جامعه‌شناسی است. وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه جهت شکل‌گیری نظم اجتماعی برای هر جامعه ضرورت دارد. توجه به نفع فردی و نادیده گرفتن حقوق جمع یکی از سؤالات و معضلات اساسی جامعه‌شناسی است. زندگی در مجتمع‌های مسکونی یکی از موقعیت‌هایی است که افراد منافع فردی خود را در مقابل منافع جمعی گروه می‌بینند. مشکلاتی چون بی‌نظمی‌های رفتاری، عدم رعایت نظافت، عدم پرداخت شارژ، استفاده شخصی از فضاهای عمومی، فعالیت در ساعات غیرمعمول، رفت‌وآمدهای زیاد ساکنین و مهمانان، جای پارک‌ها، سروصدای زیاد در آپارتمان از جمله مشکلاتی هستند که به علت نبود تمایلات جمع‌گرایانه در مجتمع‌های مسکونی وجود دارد. زندگی در مجتمع‌های مسکونی بدون همکاری دشوار است. از این رو در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با ساکنین مجتمع‌های مسکونی در شهر مشهد، به فهم ذهنی آنان از همکاری در مجتمع مسکونی، چگونگی تحقق، عوامل و پیامدهای آن دست‌یابیم. بر این اساس با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری نظری و ملاک اشباع نظری سه مجتمع مسکونی انتخاب و ۱۴ مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با مطلعین کلیدی همچون «ساکنین مجتمع مسکونی» و «مدیر ساختمان» در شهر مشهد صورت گرفت. بر پایه تجزیه و تحلیل یافته‌ها و با استفاده از شیوه‌ی کدگذاری، چهار مقوله محوری زمینه‌ساز شکل‌گیری همکاری به دست آمد: محدودیت‌های ساختاری، خصایص شخصی همکاری گریز، فاصله تعاملی، سازمان‌دهی کنش‌ها. مقوله‌ی هسته در این مقاله «همکاری» است که دربرگیرنده‌ی مقولات فوق می‌باشد. در صورت وجود این مقولات، همکاری، سازمان‌دهی کنش جمعی و به دنبال آن نفع جمعی در مجتمع مسکونی شکل پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: همکاری، کنش جمعی، نفع جمعی، مجتمع مسکونی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد



مقدمه

بخش مهمی از حیات اجتماعی مربوط به تولید و نگهداری از منافع و کالاهایی است که مالکیت و بهره برداری از آن‌ها جمعی است. یعنی بیش از یک نفر در منابع و هزینه‌های آن کالاها شریک است. جمعی بودن، ویژگی‌های خاصی را برای این کالاها ایجاد می‌کند مانند هماهنگی و همکاری میان شرکا، توزیع منافع و هزینه‌ها میان ایشان و نیز هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مربوط به تولید و نگهداری این کالاها. بررسی کالاهای جمعی از سوی طیف متنوعی از متخصصان حوزه علوم اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در این زمینه جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، عالمان علم سیاست و نیز متخصصان مدیریت حضوری فعال دارند. (زنگ، ۲۰۰۳، ون وگت و ساموئلسون، ۱۹۹۹، ویلر و بوس، ۲۰۰۸، دیلبلی، ۲۰۰۵، بیچگری و لیو، ۲۰۰۷، کانازاوا، ۲۰۰۰، لیم، ۲۰۰۸) انسانها به گروه‌ها، جمعیت‌ها یا سازمان‌ها تعلق دارند و همین امر موجب می‌گردد منفعت فردی افراد به منفعت جمعی گره بخورد. منفعت فردی و جمعی همیشه بر هم منطبق نمی‌باشد و گاهی بین آن‌ها تضاد شکل می‌گیرد. در چنین حالتی هر کنشگر در آن موقعیت با دو گزینه رو به رو می‌باشد که می‌بایست بین آنها دست به انتخاب بزند: همیارانه و ناهمیارانه. مراد از رفتار همیارانه، رفتار کردن در جهت منافع جمعی در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی است و رفتار غیر همیارانه رفتاری است که در آن منافع جمع نادیده گرفته شود. (کلارک، ۱۹۹۸، ون وگت و دیگران، ۲۰۰۰) برای هر کنشگر (بی توجه به این که دیگران چه می‌کنند) انتخاب گزینه‌ی غیرهمیارانه، نفع بیشتری را برای فرد به دنبال دارد. چنانچه تعداد قابل توجهی از کنشگران در آن گروه یا جامعه گزینه غیرهمیارانه را انتخاب می‌کنند، همه (از جمله خود کنشگران) زبان بیشتری می‌برند، در مقایسه با وضعیتی که گزینه‌ی همیارانه را انتخاب می‌کردند. (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۶) بنابراین همکاری در این گونه موقعیت‌ها ابتدا بر سود فردی مبتنی می‌باشد لیکن برخی افراد همزمان با بهره‌مندی از حاصل تلاش جمعی می‌توانند در انجام وظایف خود قصور کنند که باعث می‌گردد افراد تن به تمایلات جمع‌گرایانه بدهند یا نسبت به آن بی‌توجه باشند. یکی از موقعیت‌های اجتماعی که در زندگی روزمره عمومیت دارد و به صورت پیمایشی قابل بررسی است آپارتمان‌نشینی است که موقعیت دوراهی اجتماعی از نوع خرد است. الگوی آپارتمان‌نشینی، مربوط به سبکی از زندگی است که در آن بسیاری از مفاهیم از جمله حریم‌ها و حقوق مورد باز تعریف قرار می‌گیرند. (یگانه، ۱۳۹۲) افزایش سریع جمعیت شهرها و گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر و افزایش تقاضا برای مسکن از یک سو، کمبود زمین و بالا بودن قیمت زمین از سوی دیگر، مردم را به سوی زندگی آپارتمانی سوق داده و می‌دهد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹) ساختار و محتوا دو مساله‌ی مهم در خصوص سبک آپارتمان‌نشینی می‌باشد. ساختار شامل معماری آپارتمان و محتوا نیز روابط میان همسایگان را در بر می‌گیرد.

در خصوص روابط میان همسایگان می‌توان گفت ساکنان آپارتمانها عمدتاً منافع فردی خود را در مقابل منافع جمعی سایر همسایگان - ساکنان یک آپارتمان - می‌بینند. مشکلاتی چون بی‌نظمی‌های رفتاری، عدم مشارکت در جلسات، عدم رعایت نظافت، عدم پرداخت شارژ، استفاده شخصی از فضاهای عمومی، فعالیت در ساعات غیر معمول، رفت و آمد‌های زیاد ساکنین و مهمانان، میزان رفت و آمد آشنایان، تعداد اتومبیل‌ها و جای پارک‌ها، سر و صدای زیاد در آپارتمان از جمله مواردی هستند که در مجتمع‌های مسکونی وجود دارد و افراد می‌بایست در هر کدام از موقعیت‌های مذکور نفع فردی خویش یا نفع جمعی را لحاظ نمایند. توجه به نفع جمعی منجر به شکل‌گیری همکاری شده و شکل‌گیری کالا و خیر جمعی پیامد آن می‌باشد. عوامل متعددی وجود دارد که باعث می‌گردد افراد تن به تمایلات جمع‌گرایانه داده و الزامات آپارتمان‌نشینی را رعایت کنند



یا نسبت به آن بی توجه باشند. در این پژوهش، هدف نگارندگان بررسی عوامل و شرایط شکل‌گیری همکاری و کالای جمعی از نقطه نظر ساکنین می‌باشد.

از لحاظ نظری، چگونگی شکل‌گیری نظم اجتماعی از اولین و بنیادی‌ترین سوالات و چالش‌های جامعه‌شناختی است، وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه جهت شکل‌گیری نظم اجتماعی برای هر جامعه ضرورت دارد. (چلبی، ۱۳۸۱، آتالی، ۱۳۸۱)

از نظر تجربی نیز توجه به نفع فردی و نادیده گرفتن حقوق جمع نیز یکی از سوالات و معضلات اساسی است که همواره مورد توجه صاحب‌نظران جامعه‌شناسی بوده و هست. کم بودن تمایلات جمع‌گرایانه و ناتوانی در تولید کالاهای جمعی در هر جامعه‌ای می‌تواند پیامدها و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد.

پیشینه‌ی نظری

۱- چن، چانگ و چنگ (۱۹۹۷) در پژوهشی «بین‌فرهنگی درباره دوراهی اجتماعی بین رفتارهای همیارانه دانشجویان تایوان و آمریکا» در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی مقایسه‌ای انجام داده است. آنها تاثیر مجازات را بر رفتار همیارانه مطالعه کرده‌اند. در این مطالعه در اغلب موارد هر فرد به انجام کاری جهت منفعت شخصی خویش می‌پردازد که ممکن است به جمع به عنوان یک کل ضرر برساند. از نظر آنان رفتار خودخواهانه در شرق بسیار فراگیر است. چند عامل بسیار مهم وجود دارد که بر درجه‌ی همکاری یا رقابت تاثیر می‌گذارد: مجازات و تنبیه، انگیزه‌ی شخصی، ارتباطات میان فردی و ترکیب گروه تصمیم‌گیری. با کاهش شدت مجازات، افراد بیشتر رفتار خودخواهانه بروز خواهند داد و با انگیزه‌ی به حداقل رساندن اهداف فردی بیشتر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند در حالیکه افرادی که اهداف جمعی دارند رقابت کمتری دارند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد افراد از دو فرهنگ در رفتارهای همیارانه با هم متفاوت هستند. افراد تایوانی نسبت به آمریکایی‌ها رقابتی‌تر می‌باشند. احتمال نظارت و تنبیه دو عامل مهم در رفتار تایوانی‌ها است در حالیکه تنها احتمال نظارت که از آن اطلاع داشته باشند یا نه بر رفتار دانش‌آموزان آمریکایی تاثیر دارد. تایوانی‌ها رتبه‌ی بالاتری را در مجموع اندازه‌گیری جمعی کسب نکردند اما نسبت به آمریکایی‌ها رتبه‌ی بالاتری در جمع نسبت به همسر، والدین و اقوام دارند و رتبه کمتری را نسبت به همکلاسی‌ها و دوستانشان دارند. بنابراین تایوانی‌ها در تعامل با همکاران و دوستان خودخواه‌تر از افراد آمریکایی بودند.

۲- چاتیس، سولودکین و بارون (۱۹۸۸) در پژوهشی با عنوان «نگرش دانشجویان نسبت به دوراهی اجتماعی در بین دانشجویان آمریکا، آرژانتین و مکزیک» پرسش‌نامه‌ای با پنج دوراهی اجتماعی و دو دوراهی شخصی فرضی طراحی نمودند و به دانشجویان دانشگاه ایالت متحده، آرژانتین و مکزیک دادند. دانشجویان آمریکایی لاتین (آرژانتین و مکزیک) با دانشجویان آمریکایی تفاوتی در تمایل به همکاری در موقعیت‌های دوراهی نداشتند اما دانشجویان آمریکایی لاتین فکر می‌کردند دیگران تمایل کمتری به همکاری دارند. آنان اعتقاد داشتند همکاری با تمایل به همکاری همبسته است. دانشجویان آمریکایی لاتین اعتقاد بیشتری داشتند که همکاری در درازمدت برای فرد دارای مزیت است و همچنین آنان به این نتیجه دست یافتند زنان بیشتر از مردان همکاری می‌کنند در حالیکه در بین آمریکایی‌ها این گونه نبود. هیچ تفاوتی از حیث در دوراهی‌های شخصی نیز یافت نگردید.

۳- کلارک (۱۹۸۸) در پژوهش خود با «عنوان دوراهی اجتماعی: تجزیه‌ی همکاری» بیان می‌کند مطالعه دوراهی اجتماعی مطالعه‌ی تنش بین عقلانیت فردی و جمعی است. وی در مقاله‌ی خود در مورد طبقه‌بندی‌های دوراهی اجتماعی (انواع



دوراهی دو نفره و چند نفره) و چگونگی ساخت آنها بحث می‌کند و همچنین راه حل‌هایی را جهت دوراهی‌های اجتماعی بیان می‌کند. این راه حل‌ها بر اساس این که افراد خودخواه باشند یا ساختار موقعیت تغییر کند تنظیم شده‌اند. وی یکی از راه حل‌های انگیزشی حل مساله دوراهی اجتماعی به نفع جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه را ارتباطات می‌داند. وی معتقد است وقتی افراد فرصت پیدا می‌کنند تا با یکدیگر حرف بزنند، همکاری به نحو محسوسی افزایش می‌یابد.

۴- پیرین و ریزیس (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تاثیر اطلاع‌آزمایی‌های منفی دوراهی اجتماعی بر تعیین بودجه تبلیغاتی» به بررسی تاثیر آگاهی آزمودنی‌ها از تهدیدات دوراهی اجتماعی بر تصمیمات بودجه‌ای پرداختند. محققان تفاوت در تعیین بودجه تبلیغاتی ۳۲ گروه آزمایشی را مورد بررسی قرار دادند. به نیمی از آزمودنی‌ها، درباره مخاطرات دوراهی اجتماعی و پیامدهای منفی اجتماعی آن، آگاهی داده بودند و به نیم دیگر خیر. تصمیمات بودجه‌ای می‌تواند بر اساس جهت‌گیری رفتاری آنها و آگاهی از دوراهی اجتماعی پیش‌بینی نمود. افرادی که بیشتر رقابتی بودند در تنظیم بودجه سخت‌گیری بیشتری می‌کردند. با این حال متغیر اطلاع از دوراهی اجتماعی بیشترین تاثیر را داشته است و آزمودنی‌هایی که اطلاعاتی درباره تهدیدهای اجتماعی دوراهی اجتماعی دریافت کرده بودند بیشتر در بودجه‌های تبلیغاتی خود مدارا می‌کردند نسبت به آزمودنی‌هایی که محروم از این اطلاع بودند و فرضیه آنها تایید شد.

۵- لیبراند و دیگران (۱۹۸۶) در آزمایشی با ۱۱۶ مرد و ۱۰ زن دانشجوی کارشناسی آزمودنی‌ها را به دو گروه همکاری‌کننده و عدم همکاری‌کننده تقسیم کرده بودند و در یک بازی اجتماعی شرکت داده بودند و البته قبل از شروع بازی به آنها به صورت بازخورد دروغین گفته می‌شد که اکثریت گزینه همکاری را انتخاب کرده‌اند. نتیجه عدم همکاری را. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین میزان عدم همکاری بعد از بازخورد عدم همکاری دیگران بود.

۶- معیدفر و دربندی در پژوهش خود با عنوان «بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی» تلاش کرده‌اند تا متغیرهای تاثیرگذار بر جمع‌گرایی یا همکاری در دوراهی اجتماعی شناسایی نمایند. بر مبنای فرضیه‌های تحقیق متغیرهای تعهد عام، اعتماد به همکاری دیگران، رضایت از زندگی، دریافت‌های متقاعدکننده و تجربه‌ی واکنش منفی دیگران بر جمع‌گرایی موثر است. رفتار جمع‌گرایانه‌ی مورد بررسی، توقف عابران در برابر چراغ قرمز است. نمونه‌ی تحقیق شامل ۳۰۰ نفر از عابرانی است که از سه تقاطع پر ازدحام در جنوب، مرکز و شمال تهران قصد عبور از چراغ قرمز را داشته‌اند. بر پایه‌ی تحلیل یافته‌های تحقیق رابطه‌ی همه‌ی متغیرها - به جز رضایت از زندگی و تجربه‌ی واکنش منفی دیگران - با متغیر وابسته تایید می‌شود. در تحلیل رگرسیون نیز متغیرهای «دریافت پیام‌های متقاعدکننده»، «خویشتن‌داری»، و «تعهد عام» وارد معادله شدند و در مجموع حدود ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند. به منظور افزایش همکاری در موقعیت دوراهی اجتماعی چند راه حل ارائه می‌شود: تقویت همکاری و فواید همکاری، کم کردن هزینه‌ی همکاری و پرهزینه کردن عدم همکاری و تقویت نظارت رسمی و غیر رسمی.

۷- جوادی یگانه و ضیا هاشمی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوراهی اجتماعی) و عوامل موثر بر آن» بیان می‌کند دوراهی اجتماعی موقعیتی است که در آن، هر کنشگر با دو گزینه رو به رو است: همیارانه و غیرهمیارانه. عوامل موثر بر رفتار در دوراهی، شامل عوامل موقعیتی، شخصیتی و فضای کنش است. در این تحقیق از روش پیمایش (جمعیت نمونه شامل ۷۳۰ فرد ۱۵ سال به بالای ساکن تهران) استفاده شده است. برای آزمون فرضیات از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان رفتار همیارانه پاسخگویان در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، بین ۶۵ تا ۸۵ درصد، و میزان رفتار همیارانه مردم از نظر پاسخگویان بین ۲۰ تا ۴۰ درصد است.



فرضیات تحقیق شامل تاثیر عوامل شخصیتی (جهت گیری مذهبی و نوع شخصیت ، یا جهت گیری ارزش های اجتماعی) موقعیتی (اعتقاد به اثربخشی عمل جمعی، شرایط دوستانه یا رقابتی حاکم بر موقعیت ارتباط میان کنشگران در موقعیت ، اطلاع از پیامدهای غیرهمیارانه در دوراهی اجتماعی، تاثیر تجربه قبلی) و فضای کنش (هنجارهای حاکم بر کنش، نوع رابطه و نوع موقعیت کنش) بر رفتار افراد در موقعیت های دوراهی اجتماعی تایید شد.

چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی برخلاف پژوهش های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمایی هستند از چارچوب مفهومی استفاده می کنند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می دهد (پاتن، ۲۰۰۱ به نقل از محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷) به همین دلیل با توجه به کیفی بودن روش پژوهش حاضر از چارچوب مفهومی استفاده می گردد.

کنش جمعی

کنش جمعی را می توان کنشی دانست که در آن جمعی (بیش از یک نفر) برای رسیدن به نفعی جمعی با هم همکاری می کنند. بنابراین در این تعریف دو عنصر مهم و اساسی وجود دارد که شاکله کنش جمعی هستند: همکاری (اکسلراد، ۱۹۸۴؛ باندیرا، بارانکای و رسول، ۲۰۰۵) و نفع جمعی (مارول، اولیور و پرال، ۱۹۸۸).

همکاری

همکاری عبارت است از انطباق و هماهنگی سیاست ها در راستای منافع مشترک (واعظی) به عبارت دیگر هر عضو جمع سهم خود را در تولید نفع مشترک ادا می کند. این ادای سهم هزینه دارد. در مقابل کسانی که همکاری می کنند کسانی هم هستند که از مواهب خیر جمعی برخوردار می شوند اما سهم خود را در تولید خیر جمعی ادا نمی کنند این افراد را قاصر^۳ می نامیم. اگر کنشگر را دارای عقلانیت ابزاری فرض کنیم آنگاه این امکان وجود دارد که هنگامی که افراد مطمئن هستند از خیر جمعی مانند دیگران بهره مند خواهند شد دست به سواستفاده بزنند و ترجیح بدهند سهم خود را در هزینه های تولید نپردازند. (اولسون، ۱۹۶۵؛ توملا، ۱۹۹۲ به نقل از اصغرپور، ۱۳۸۸)

خیر جمعی

خیر جمعی یا کالای مشترک ، محصول کنش جمعی است. معمولا فرض می شود که اشخاص از چپستی این خیر آگاه هستند و این خیر برای آنان مطلوب است چرا که برای برخورداری از چنین خیری به جمع پیوسته اند. خیر جمعی انگیزه ی افراد برای پرداخت هزینه و همکاری است. در حالت کلی اشخاصی که علاقه مند به برخورداری از نفعی هستند و می دانند به تنهایی قادر به تولید آن نیستند به هم می پیوندند تا نفع را تولید کنند (آگروال و گوپال، ۲۰۰۱)

^۳ defector



استراتژی های کنشگران

هنگامی که کنشگران در کنش جمعی درگیر می شوند ، در فرآیند کنش جمعی باید دست به انتخاب در میان کنش های گوناگون بزنند. محاسبه و تقلید دو نوع استراتژی در برخورد با کنش جمعی می باشد.

محاسبه

در فرآیند کنش جمعی کنشگران ممکن است به تحلیل موقعیت ها و پیامدهای آن بپردازند. نظریه ی بازی به بررسی الگوهای دوراهی اجتماعی می پردازد. مشهورترین این بازی ها بازی دوراهی زندانی است. دوراهی اجتماعی موقعیتی است که اگر فرد از هنجارهای اجتماعی پیروی نکند، بازده یا منافع فردی برای یک شخص بالا است ؛ اما وقتی همه افراد چنین کنند بازده نهایی برای همه افراد کاهش می یابد . (ربر، ۱۹۹۵ به نقل از جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۶) دوراهی اجتماعی همراه با کنش غیرهمکارانه برای هر فردی است که وسوسه انگیز بوده و معمولاً یک نتیجه ی عالی برای فرد دارا می باشد (در کوتاه مدت) لیکن اگر همه ی افراد بدین گونه رفتار نمایند همه ی افراد جامعه (اغلب در دراز مدت) ضرر خواهند کرد (کولاک، ۱۹۹۸)

تقلید

در بسیاری از موقعیت ها ، کنشگران انسانی ترجیح می دهند به جای محاسبه به کمک عقلانیت محدود خود از استراتژی های کنشگران موفق تقلید کنند (اوستروم ۲۰۰۰، برجیکیان ، ۱۹۹۲؛ براون و وینسنت ۲۰۰۸)

ویژگی های اجتماع آپارتمانی

آپارتمان مجتمعی است دارای چندین خانه یا چندین طبقه که خانواده ها در یک قلمرو معین همسایگی زندگی می کنند. (فرهنگ آپارتمان نشینی) آپارتمان داری چندین ویژگی است : ساختمان های آپارتمان اغلب در درون حیات قرار گرفته اند. هر آپارتمان برای ساختمان خود دارای ورودی است . (دانلوی، ۱۹۸۱: ۵۷-۸۴ به نقل از محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰) خدمات عمومی و فضاهای تفریحی به طور مشترک در دسترس ساکنان قرار میگیرد. روابط افراد معمولاً به صورت چهره به چهره است.

آهنگ رشد آپارتمان نشینی به مراتب سریع تر از آهنگ رشد و توسعه ی فرهنگ آپارتمان نشینی بوده است. آپارتمان نشینی در کشورهای عقب مانده اصولاً تضادهای زیادی را در پی داشته است. فرهنگ همسایه داری یا آپارتمان نشینی همان هنجارها و ارزش ها و یا امور مادی است که برای افراد همسایه معقول و ارزشمند می باشد و افکار و احساسات و رفتار آنها را شکل داده یا به نوعی تحت تاثیر قرار می دهد . این هنجار ها همگی در ارتباط با برخورد با همسایگان می باشد که البته گاهی ممکن است هنجارها و ارزش های افراد معقول و مطابق با شرع نباشند. (فرهنگ آپارتمان نشینی)

روش تحقیق

با توجه به هدف دست یابی به ادراک ساکنان مجتمع های مسکونی مناسب ترین استراتژی ، استراتژی تحقیق کیفی و روش مورد استفاده نیز روش " نظریه زمینه ای " می باشد. نظریه زمینه ای یک نظریه مساله محور و مبتنی بر ارتباط دادن مراحل و گام هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مساله کمک می کند . در فرآیند ساخت نظریه زمینه ای ، داده های گردآوری شده به مفاهیم یا کد تبدیل و در یک پیوستار فرآیندی به هم متصل می شوند (گلاسر و همکاران، ۱۹۷۶ به نقل از محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷)



تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای ارائه‌ی نظریه‌زمینه‌ای- که در پژوهش حاضر به عنوان روش تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد- کدگذاری^۴ و طبقه‌بندی در کل جریان تحقیق انجام می‌گیرد. از نقطه‌ی شروع تحقیق، تحلیلگر داده‌ها را کدگذاری می‌کند. کدگذاری فرآیندی است که به وسیله‌ی آن مفاهیم با موضوعات تشخیص داده شده و نامگذاری می‌شود. داده‌ها تغییر شکل داده و محدود تر می‌شوند تا مقوله‌ها ساخته شود. از طریق ایجاد این مقوله‌ها نظریه‌شکل می‌گیرد (اسپتسیاله، ۱۳۸۹) سرواینسون و برگنهامر سه روش برای کدگذاری بر می‌شمارد که در این پژوهش نگارنده از این نوع کدگذاری بهره می‌گیرد:

- کدگذاری باز^۵: بررسی، برچسب زدن و مقوله‌بندی داده‌ها.
- کدگذاری محوری^۶: این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌ها است.
- کدگذاری گزینشی^۷: این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌ها است. در این مرحله داده‌ها را به صورت جدید کنار هم گذارده و رابطه بین مقوله‌ها را بررسی می‌کنیم. (سرواینسون و برگنهامر، ۱۹۹۹ به نقل از پرویزی، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

پس از تعیین مقوله‌ی محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله‌ی محوری در قالب یک مدل ترسیم می‌شوند. این مدل که در واقع همان نظریه‌زمینه‌ای است باید دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها باشد.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها

جامعه‌ی مورد بررسی، ساکنان مجتمع‌های مسکونی شهر مشهد می‌باشد. با توجه به روش بکار رفته در تحقیق (روش کیفی) حجم نمونه از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات با رسیدن به درجه‌ی اشباع مشخص می‌شود. (فیلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۳) بر اساس جامعه‌ی آماری تحقیق، سه مجتمع مسکونی (۷ واحد، ۴ واحد و ۳ واحد) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. مناسب‌ترین شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در روش زمینه‌ای مصاحبه‌ی عمیق با افراد است که در این تحقیق ۱۴ مصاحبه در مورد خانوار صورت گرفت و سعی می‌شود با مصاحبه با افراد به ادارک آنان از چیستی و عوامل همکاری و خیر جمعی پی برده شود.

یافته‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده پس از پیاده‌سازی، کدگذاری شدند که در نهایت چهار مقوله محوری زمینه‌ساز یا مانع شکل‌گیری همکاری به دست آمد: محدودیت‌های ساختاری، خصایص شخصی همکاری‌گریز، مختصات روابط اجتماعی، سازماندهی کنش‌ها. هر کدام از مقولات مذکور نیز خود دارای زیرمجموعه‌ای‌هایی می‌باشند که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

^۴coding
^۵Open coding
^۶Axial coding
^۷Selective coding



محدودیت های ساختاری

محدودیت های ساختاری شامل محدودیت های جغرافیایی و زمینه ی اجتماعی است که گروه همکار در آن قرار دارد. این گروه ممکن است قادر به تاثیرگذاری بر این عناصر باشد ولی کنترلی بر آنها ندارد. در نقل قول های زیر ، آلودگی صوتی ناشی از کیفیت بد ساختمان، حس مالکیت همراه با ماندگاری بیشتر در ساختمان، شرایط ایجاد تغییرات عمده در ساختمان مانند ایجاد فضای سبز نشان دهنده ی محدودیت های ساختاری در گفتار مصاحبه کننده می باشد.

ضعف معماری ساختمان ها و تداخل حریم خصوصی

بی توجهی سازندگان ساختمانها در کیفیت کار، اهمیت ندادن به اجرای طرح های عایق سازی در برابر صدا از جمله مواردی است که منجر به آلودگی صوتی در ساختمان های مسکونی می شود. در این زمینه افراد اظهار می دارند:

" خونه ی ما از نظر سرو صدا افتضاحه .حتی شده که با صدای برس کشیدن موی همسایه صبح ها از خواب بیدار میشم . گاهی شب ها هم صدای خر و پف میاد اینجا. من که صدا میزنم یا روزنامه میخونم بهمون گفته یواشتر حرف بزنید برای همین اومدن به دیوارشون رابیتس بستند و گچ زدند که صدا کمتر بره و یک لایه ی دیگه دیوار رو آوردند جلو"

"وقتی من جای سینک دستشویی می ایستم و خانم روبه رو هم وایستاده از توی آبگرمن صدای آب و ظرف میاد یا مثلا سرمو زمین میگذاشتم صدای حرف های پایینی می اومد".

تداخل حریم های خصوصی ساکنان موجب می شود آنان تمایل داشته باشند از طریق ایجاد فاصله اجتماعی و بی تفاوتی این معضل تا تا حدی جبران کنند.

حس مکان/ حس مالکیت

پدیدار شناسان در تعریف حس مکان به اهمیت تجربه ودرک نمادها و فعالیت های روزمره در مکان اشاره می کنند. این حس می تواند در مکان زندگی به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. (شولتز، ۱۹۷۵، به نقل از پرتوی، ۱۳۸۲).

در این زمینه افراد اظهار می دارند:

"اینجا زمین پدری مدیر ساختمون بوده که بعد شریکی خونه رو می سازند که نصفشو فروخته. چهار تا واحد اینجا رو خریده. و چون بیشتر واحد داره حس مالکیت بیشتری داره"

" ما اینجا مستاجریم ولی اگه مالک بودیم دوست داشتم روی پشت بام آلاچیق بزنیم، فضای باز ایجاد کنیم یا صندلی بزنیم. " حضور بلند مدت یا وجود چشم انداز سکونت بلند مدت در یک مکان موجب می شود افراد سرمایه گذاری های مالی و اجتماعی بیشتری انجام دهند. مستاجرانی که تنها برای یک سال در مجتمعی زندگی می کنند سرمایه گذاری فراوان برای ایجاد شبکه های اجتماعی را به صرفه نمی دانند و حتی تمایل زیادی به بهبود کیفیت زندگی عینی محیط هم ندارند.



امکانات فیزیکی مجتمع‌ها

همکاری نیازمند وجود برخی شرایط و استعدادهایی است که در محیط وجود دارد. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"دوست داشتیم روی پشت بام فضای سبز ایجاد کنیم اما خوب برای این کار باید شرایطی باشه، مثلا ایزوگام دو سه لایه باشد یا جایگاه گذاشتن صندلی رو داشته باشه که در این ساختمان استعدادش وجود ندارد"

"دوست داشتیم توی راهروها گلدون بگذارن اما چون نور نیست و راهروها هم باریکه شدنی نیست. راهرو اینقدر باریکه که همیشه رد شد اگه ما رد شیم همه گلدون‌ها شکسته."

مجتمع‌های مسکونی امروزی عموماً توجهی به فضای سبز، فضاهای حضور جمعی ساکنان یا بازی بچه‌ها ندارند.. هنگامی که هیچ مکان مناسبی برای جمع افراد دور هم وجود ندارد تمایل ساکنان به این امر کاهش می‌یابد.

محدودیت‌های زمانی

سپری کردن مدت زمان بیشتر در بیرون از منزل و نبود وقت جهت معاشرت با همسایگان . در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"من همیشه ترجیح میدم که با همسایه‌ها رابطه داشته باشم اما به شرط این که وقت داشته باشم مثلاً من صبح تا ظهر میریم باز ظهر میریم تا شب. وقت نداریم."

"من خودم دوست داشتم با بقیه ارتباط داشته باشم اما پیش نیامده چون همسایه‌ها دو هر دو شاغل هستند و گرفتار، فکر می‌کنم شاید برای اونها مقدور نیست این روزها مردم به نسبت قدیم گرفتارند. ما توی این یک سال و نیم شاید دو بار خونه‌ی هم رفتیم"

"بعضی همسایه‌ها هم وقت ادم رو زیاد می‌گیرند. میان میشینن اینجا آدم نمی‌تونه به کاراش برسه.."

"دوست دارم با همسایه ارتباط داشته باشم اما من خودم خیلی گرفتارم درس می‌خونم، بچه کلاس اولی و نوزاد دارم کلاس قرآن هم برگزار میکنم به کارهای خونه اصلاً نمیرسم."

مشغله‌های روزمره‌ی زندگی و نبود زمان کافی برای خانه‌بودن، خانه‌را به محلی برای خواب و استراحت تبدیل کرده است و همین امر منجر به شکل‌گیری همکاری‌حداقلی و همکاری بدون هماهنگی می‌گردد. از اینرو غریبگی و میل به ناشناخته‌بودن تبدیل به هنجارهای آپارتمان‌نشینی می‌شود.

منابع مالی کافی

گروه همکار از بنیه مالی کافی و پایداری برای پشتیبانی عملیات خود برخوردار است. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"اگه بقیه پیشنهادی رو مطرح کنند و موقعیت باشه انجام می‌دیم مثلاً اگه پول داشته باشیم و به نظرمون درست باشه مشکلی نیست."

"با کاری که هزینه‌ی زیاد داشته است، مخالفت کرده‌اند مثلاً نمای ساختمان را می‌خواستیم عوض کنیم، تفاوت سلیقه وجود داشته، بعضی‌ها می‌گفتند همین نما خوبه و برای بعضی قیمتش زیاد بوده و به همین دلیل گذاشتیم کنار و انجام نشد"



انجام برخی پیشنهادات در مجتمع‌های مسکونی نیازمند منابع مالی کافی می‌باشد و چنانچه بنیة مالی مجتمع مسکونی به حد کافی قوی نبوده در انجام پیشنهادات خلل ایجاد می‌کند.

خصایص شخصی همکاری گریز

ویژگی‌های اعضا شامل مهارت‌ها، نگرش‌ها و عقاید افراد در یک گروه همکار و همچنین فرهنگ و توان سازمان‌هایی است که این گروه‌های همکار را تشکیل می‌دهند. در نقل قول‌های زیر، ترجیح دایره ارتباطات محدود، ارزش‌ها و عقاید مشترک، بدقولی و بی‌نظمی در رفتارهای روزمره، پشت‌گوش انداختن پرداخت شارژ، نداشتن زمان برای ایجاد رابطه، گرفتاری‌های روزمره، فردگرایی، موقعیت سنج و زمان سنج نبودن برخی همسایگان، بی‌تفاوتی و سازش با برخی مشکلات ریز، صبوری، گذشت و فداکاری، تحمل سرو صدا تا مقدار مشخص، خود را به جای همسایگان گذاشتن، حساسیت نسبت به تذکر دادن، سختی و دردهای تغییرات عمده نشان دهنده ی خصایص شخصی همکاری گریز در گفتار مصاحبه کننده می‌باشد.

درون گرایی

درون گرایی و برون گرایی به مسئله گرفتن انرژی انسان از دنیای بیرون می‌پردازد. بسیاری از افراد درونگرا با سکوت و خجالت همراه می‌باشد و انرژی خود را از درون خود دریافت می‌کنند. در نقل قول‌های زیر نشان دهنده ی شرایط محیط فیزیکی و اجتماعی در گفتار مصاحبه کننده می‌باشد. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"من چون خیلی ادم اجتماعی و برون گرایی نیستم خیلی ارتباطاتم کمه، یکی از این خیلی‌ها هم همسایه‌ها هستند" عدم علاقه به گسترش شبکه ی اجتماعی در برخی از افراد و منزوی بودن آنها باعث می‌شود علاقه ای به ارتباط با همسایگان نداشته باشند و از اینرو این دسته افراد سعی بر ناشناخته بودن و هماهنگی حداقلی با سایرین دارند.

واگرایی ارزشی

ارزشها عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره ی آن‌چه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"باید شخصیت، اعتقادات و نوع برخورد اونها به ما بخوره. مثلاً به یکی از همسایه‌ها وقتی ازشون درخواستی داشتی یا تذکری می‌دادی سریع ناراحت می‌شدند. یا نوع برخوردشون برخوردهای سردی بود ادم می‌فهمید که علاقه ای به ایجاد رابطه ندارند"

"شاید همسایه بالایی خوشش نمیاد رفت و آمد کنه، شاید هم به خاطر اینه که دخترش ماهواره نبینه با این که من رعایت می‌کنم بچه‌ها هر چیزی رو نبینند و اصلاً چیزهای نامناسب نمیزارم اما خوب اینها خیلی حساسند. حتی زمانیکه جشن تولد گرفته بودیم دخترش رفت از مامانش اجازه گرفت که بینه اجازه میده آهنگ گوش بده یا نه؟! اونم آهنگ‌های تولد" تفاوت عقاید، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد عاملی مهم در جهت عدم ارتباط با سایر همسایگان در مجتمع‌های مسکونی است. افرادی که از حیث اعتقادات با یکدیگر متفاوت می‌باشند سعی بر دوری عاطفی از یکدیگر می‌کنند.



بی‌نظمی

در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"با یکی از همسایه‌ها هماهنگ کرده بودیم که صبح‌ها ما بچه‌ها رو ببریم مدرسه و عصرها اونا برن بیارن اما خیلی بی‌نظم بودند مثلاً بعضی وقتا از زمانش میگذشت بعد زنگ میزد می‌گفت من نمیرسم یا دیر میرفت بیاره."

"تا الان شده که احتمالاً دیر پرداخت کردیم اما در نهایت دادیم مثلاً یک هفته بعد پول را دادیم شاید یادمون می‌رفته"

"یکی از همسایه‌ها خیلی بی‌نظم بود. اینا تو کارهای خودشون بی‌سر و سامان بودند ما نمی‌تونستیم انتظار بیشتری داشته باشیم. هی امروز رو به فردا میکردند و پشت‌گوش مینداختند"

"یک بار که من کلید رو جا گذاشتیم و مجبور شدم برم خونشون فهمیدم که چون پرسشون علاقه‌ای به درس نداره اجازه ندادن مدرسه بره و سرکار گذاشتنش یا دخترشون چون مشکل رفتاری داشت، درس نمی‌خوند و این بی‌نظمی در قسمتهای مختلف زندگی‌شون بود."

فراموشی‌های جزئی، پشت‌گوش انداختن برخی امور کوچک از نگاه سایر کنشگران نوعی بی‌نظمی تلقی می‌شود که با مرور زمان این بی‌نظمی‌های جزئی منجر به ضعف همکاری در بین ساکنین می‌گردد.

سازش ناپذیری

همکاران می‌توانند به توافق دست یابند، چرا که بسیاری از تصمیم‌ها در تلاش‌های همکارانه، احتمالاً با ترجیحات و اولویتهای تک‌تک اعضا تناسب نخواهد داشت.

در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"اگه کسی در مجتمع رعایت نمی‌کرد با تذکر مشکل حل می‌شده و برخورد، پرخاش یا قانون نبوده است، و اگر هم حل نمی‌شده ما ولش می‌کردیم و بی‌تفاوت می‌شدیم."

"این همسایه‌ی روبه‌رو، بیخودی‌غر میزنه، وگرنه صدا برای ما هم میاد و باید تحمل کرد تا یک حدی. چاره‌ای نیست."

"همسرم گفتند که اینجا جای پارک من باشه و بقیه‌ی همسایه‌ها گفتند اینجا برای شما ساخته اما ایشون گفتند که چون سرکار نمی‌زنند و زیاد هم بیرون نمی‌روند به نسبت دو تایی دیگه که هر روز میرن بیرون اشکالی نداره. و گفتند که چون این دو شاغلن سخت نباشه براشون"

"سرو و صدا رو هم یک مقدار باید تحمل کرد، حتی اگه مهمونی‌ای بوده خوب یک مقدار بیشتر بوده اما خوب استثنا است و اونقدری نبوده که تذکر بدیم"

"ما خودمون اینقدر سختی کشیدیم تو مستاجری که بعضی چیزها رو تحمل می‌کنیم. این مشکلات در مقابل مشکلاتی که بعضی همسایه‌های ایجاد می‌کنند هیچی است"

"همسایه پایینی که بچه دار شد فاصله‌ی اتاق خواب همسایه پایینی و ما یک حیاط خلوته که صدای سرو صدا به راحتی میاد پایین اما خوب گفتم که بالاخره من اومدم اینجا باردار شدم و ممکنه همین اتفاق برای اینا هم پیش بیاد. بالاخره باز اونا تحمل میکنن."



"یک دوچرخه کهنه و قدیمی توی حیاط هست که من دوست ندارم اینجا باشه، دو سه باز خواستم بگم شوهرم گفت شاید اونا خودشون دوست داشته باشند توی حیاط بگذارند و همسرم نگذاشت که بگم ولی من نظرم اینه که این حیاط مشاع است. یا برای شستن ماشین خودشون و دامادشون می شورند و در حالیکه فکر میکنم آب حیاط رو روی ساختمون حساب میکنند و اصلا من اینو نگفتم بهشون و من همسرم اینقد حساسیم که اصلا اینو نگفتم بهشون"

مشکلاتی چون سروصدای فرندان کوچک و یا مهمانی‌های استثنایی ممکن است در مجتمع‌های مسکونی رخ دهد بنابراین تساهل و مدارا در برخورد با برخی مشکلات کوچک در مجتمع‌های مسکونی میزان شکل‌گیری توافق را بالا برده است.

انطباق پذیری

گروه همکار توانایی حفظ و کنترل خود را در بحبوحه‌ی تغییرات عمده حتی در شرایط متغیر را دارد. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"دوست داریم تو حیاط تو حیاط باغچه درست کنیم چون کار سختی بود و باید جدول کشی کرد می‌کردیم برای همین کاری انجام ندادیم."

"صاحب‌خونه‌ی قبلی نمی‌دونم فن رو چه کار کرده بود که گاز می‌زد تو خونه و بعد من بهشون گفتم که این مشکل رو قبلا ایجاد کردند و به ما ربطی نداره و من با این وضع نمی‌تونم کاری کنم اما اونها گفتند نیاز به کنده کاری داره و همیشه کاریش کرد."

تغییرات عمده در مجتمع‌های مسکونی عموماً با مقاومت افراد مواجه می‌شود چرا که افراد از بنیه مالی و حمایتی قوی برخوردار نیستند. چنانچه این بنیه وجود داشته باشد افراد خود را با شرایط و تقاضاهای عمده تطبیق می‌دهند.

مختصات روابط اجتماعی

ارتباطات اشاره به کانال‌هایی دارد که اعضای گروه همکار استفاده می‌کنند تا اطلاعات را ارسال و دریافت کنند، یکدیگر را آگاه نگه دارند و عقاید خود را برای تاثیر بر اقدام‌های گروه انتقال دهند. در نقل قول‌های زیر، برخورد سرد در ایجاد روابط، بهانه آوردن برای ایجاد رابطه، در میان گذاشتن مشکلات ساختمان و تذکر دادن به یکدیگر مانند نظافت، سرو صدا، گاز مشترک، ذهنیت مشخص نسبت به همسایگان، تعیین حدود همسایگی در ذهنیت افراد، احترام به تذکرات همسایگان نشان دهنده‌ی مختصات روابط اجتماعی در گفتار مصاحبه‌کننده می‌باشد.

تعامل اجتماعی سرد

واکنشی که همکاران به صورت غیر رسمی در مقابل همکار دیگر از خود نشان می‌دهند ابزاری برای ایجاد همکاری است. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"علاقه داریم که با همسایه‌ها رفت و آمد داشته باشیم اما شاید اونا نمی‌خواستند یا شاید جدی نمی‌گرفتیم برای همین رفت و آمد صورت نمی‌گرفت"



" جدیداً همسایه بالایی یک جوری برخورد میکنه. دخترش زنگ زده به دخترم که بیا بالا ، بعدکه رفته بالا بهش گفته برو پایین مشقام رو که نوشتیم بعد بیا بالا. یک بار دیگه هم بعد یک بار تاسوعا عاشورا زنگ زده که بیا بریم بیرون بعد از این که حاضر شده ، باز دوباره بعد زنگ زده نه ما میخام بریم از اون طرف خونه مامان بزرگم تو نیا"

" وقتی میگم این هفته هم رو ببینیم، میگن درس داریم فلانه یا تایم زیادی میگذره تا باز هم رو ببینیم میگم شاید مایل نیستن"

" وقتی همسایه بالایی اومد، گفتیم که بریم یک سلام علیکی بکنیم بده که یک ماهه اومدن ولی من اصلا این خانم را ندیدم تا این که یک روز توی حیاط دیدمشون و یک سلام علیک کردیم ولی خوب برخوردشون خیلی سرد بود و گفتم من خیلی خونه نیستم و دوست داشتم پیام باهاتون آشنا بشم ولی خیلی سرد بود برای همین اصلا رابطه ای بینمون ایجاد نشد"

" شخصیت افراد هم خیلی عامل مهمیه. این که در قبال تذکر و مشکلات چطور برخورد می کنن. زمانی که بهشون تذکر میدی ناراحت نشند . مثلاً یکی از همسایه های قبلی وقتی بهش می گفتیم چرا اینجا پارک میکنی بیا ماشینو بردار می گفت ای بابا چرا من بردارم؟ چرا یکی دیگه برندهاره و از این حرفا."

" به یکی از همسایه های که می گفتیم ماشینت رو جا به جا کن به حرفمون نمیگردد. تذکر می دادیم بازم به حرف نمی کرد. ما هم وایستادیم تا سالش تموم شه و بیرونش کردیم."

" بچه همسایه بالایی از ساعت شش صبح می دوید و نمیگذاشت استراحت کنیم اما والدین این بچه اینقدر با شخصیت بودند بعضی وقت ها میگی این خانواده به این بچه ادب یاد نداده اما خوب اینا خانواده ی با ادبی هستند و ممکنه بچشون پیش فعال باشه و ممکنه برای خودمون هم این شرایط پیش بیاد"

" یک همسایه داشتیم که یک پسر خیلی شر داشتند، کل روز این پسر می دوید اما اینقدر برخورد پدر و مادرش متین بود که باعث می شد اینها رو تحمل کنیم. و همه نیاز دوییدن بچه رو درک می کردند. اما اگه پدر و مادرش نوع برخوردشون طور دیگه ای بود و می گفت نه اینجا خونه ی ماست و به شما ربطی نداره شاید تحمل ما هم بدتر می شد."

تعامل اجتماعی منفی و برخورد سرد با سایر افراد یکی از عواملی است که واکنش منفی دیگران را در بردارد. چنانچه افراد مجتمع مسکونی دارای تعامل اجتماعی گرم باشند و مشکلاتی کوچک خود را با برخوردی مثبت بپذیرند و سعی در برطرف نمودن آن داشته باشند سایر افراد نیز به مدارا و سازش با فرد مذکور تمایل پیدا می کنند.

ارتباطات باز و منظم

اعضای گروه همکار اغلب برهمکنش دارند ، یکدیگر را روزآمد می سازند ،آزادانه بحث می کنند و تمام اطلاعات ضروری را به یکدیگر و افراد خارج از گروه منتقل می نمایند.

در این زمینه افراد اظهار می دارند:

" قبلاً پدر و مادر یکی از همسایه ها مکه رفته بود ، پسرش پارتی برگزار کرده بود که با تذکر رفع شد و دیگه برگزار نکرد."

"نظافت یک مقدار مشکل داشته، یکی از همسایه ها وسایلش رو گذاشته بودند پایین و خانمشون هم اصلا در جریان نبودند که این وسایل مربوط به اونهاست. ما مونده بودیم که چطور اطلاع رسانی کنیم به اینها، ابتدا با گوشه و کنایه و اینها سعی کردیم بهشون بگیم و بعد دیدیم که متوجه نمی شوند در نهایت مجبور شدیم مستقیم بگیم که این وسایل اینجا مزاحم هستند و بد نمایند. خانم هم گفت من اصلا اطلاع نداشتم و ببخشید.و بعد جمع اوری کردند. و بردند انباری مشکل حل شد"



" در تایم بعد از ظهر که تایم استراحت گاهی شده صدای خنده یا تلفن یا .. از طبقه ی پایین بیاد اما تذکر دادم البته غیر مستقیم که در جریان باشید اما خوب گوش نکردند"

" گازمون مشترکه. بخاری خونه ی ما شعلش خیلی کمه و این که بیشتر موقع ها اصلا خونه نیستیم . این ماه هزینه ی گاز اومد ۴۰ تومن. این از نظر من منصفانه نیست از نظر شرعی درسته اما از لحاظ عرفی درست نیست چون ما اصلا نیستیم بهشون گفتیم کنتورها رو جدا کنیم اما گفتند که اگر جدا کنیم گاز به طبقه بالا نمیرسه. گاز کم میشه . ما هم گفتیم یکی دو سال اینجاییم و تحمل می کنیم. این مشکل ممکنه توی زمستون باشه ولی باز تابستون تعادل بیشتری باشه. ولی خوب گفتند که شاید دو ماه آینده که سرما بیشتر بشه ما سهممون کمتر بشه"

گفتمان آزاد ، آزادی در بیان مشکلات، آزادی در بیان تذکر نسبت به فرد خاطی در ساختمان های مسکونی انتقال آزاد اطلاعات در بین کنشگران را در بردارد. آگاهی نسبت به مشکلات همراه با تعامل مثبت و سازش منجر به تسهیل شکل گیری کنش جمعی می گردد.

ایجاد پیوندهای ارتباطی غیررسمی و رسمی

کانال های ارتباطی مکتوبی وجود دارند که جریان اطلاعات از طریق آنها میسر می شود در این زمینه افراد اظهار می دارند:

"قوانین رو تایپ می کردیم اما خانواده بغلی پاره می کرد باز می نوشتیم"

"بچه ها اشغال ریخته بودن روی راه پله ها، ممکن بود پست میوه ای یا هسته ای چیزی باشه که من رو در رو روم نشد برای همین کتبی نوشتیم زدیم روی برد که در نظافت راه پله همکاری داشته باشید"

" جدیدا با خانم صاحب خونه ارتباط داریم و جلسات هفتگی برگزار می کنیم. ما اینجا یک دوره ی زنونه داریم. هر از گاهی نه این که مشخص باشه چند وقت باشه. هر کس یک مهمونی مختصری برگزار می کنه.البته این رو گذاشتیم چون وقت نداریم همدیگر رو ببینیم"

" دوست دارم جلسات ماهانه یا جلسات خانوادگی داشته باشیم"

غیر شخصی سازی نوعی کانال ارتباطی مکتوب می باشد که در راستای کارکرد ارتباطات باز و منظم می باشد.

اعتماد/ارتباطات تعریف شده

اعتماد نگرشی است به دنیای پیرامون، مقاصد و انگیزه‌های طرف مقابل برای برقراری روابط که حاصل تجربیات شخصی است. همکاران نسبت به سایر همسایگان دارای میزان متفاوتی اعتماد هستند.

در این زمینه افراد اظهار می دارند:

"همسایه خیلی فرق می کنه با دوست، اینا هر کدوم در جایگاه خودشون قرار دارند توی زندگی خواهر جای دوست نمیشینه و یا برعکس و به هر کدوم از دریچه خاصی نگاه می کنیم ، رابطه ی همسایگی هم فرق می کنه با رابطه ی برادری"

"یک مسایلی هست که نیاز نیست به همسایه گفته بشه. همه چی همه جا بیان نمیشه. یک سری حرفا برای دوسته یک سری برای خانوادست"



" این همسایه روبه رو برام چند بار برامون آش آورد و اومد تو که باهام صحبت کنه . دوست داشت حرف بزنه ولی من چند بار تحویل نگرفتم و برای همین دیگه نیومد. اصلا از ارتباط با همسایه خاطره خوبی ندارم. حس میکنم همسایه فقط برای فضولی میاد خونه. از اولی که اومد تو میگه این خونه مال خودتونه. بگو پدرشوهرت این خونه رو بخره براتون "

جامعه پذیری افراد و ذهنیت شکل گرفته نسبت به همسایه و تعامل با آن نقش موثری در ایجاد و یا عدم ایجاد رابطه دارد.

درک و احترام متقابل

اعضای گروه نسبت به هم ، ارزش ها و هنجارهای فرهنگی، محدودیت ها و انتظارات درک و احترام متقابل دارند.
در این زمینه افراد اظهار می دارند:

"از وقتی بهمون تذکر دادند توی این اتاق یواش تر صحبت می کنیم صدا نره.یا درو یواش تر باز می کنیم. در اکاردئونی که ما زدیم همه هم بعدش زدن. اما اینا وقتی میرن مسافرت می بدن ولی ما هر روز می بندیم برای همین وقتی نصفه شب میایم صداس بقیه رو اذیت میکنه ایناها بیدار میشن. سعی میکنیم یواش تر بازش کنیم"

" سر پارکینگ توافق کردیم که کی زودتر بره ، کی دیرتر بره ماشینشو اول و اخر بزنه.مثلا قسمت دم درمربوط به صاحب خونست نه به دلیل این که صاحب خونه است چون کاری نداره فقط من و بالایی میریم بیرون. باز من چون رفت و امدم بیشتر بود مثلا چهار بار در روز میرم بیرون و میام من میزارم وسط که برای بقیه راحت تر باشه."

"چون من طبقه ی اولم از آسانسور استفاده نمیکنم این ها چون دیدن ما استفاده نمیکنیم وقتی قبض دادند دیدیم که سهم ما کمتره پرسیدیم چرا سهم ما کمتره؟ گفتند چون شما استفاده نمیکنید و بعد بهشون گفتم که اما شده گاهی مهمون داشته باشیم که پا درد داشته باشد و استفاده کنیم. باز هم گفتند اشکالی نداره. اونقدری نیست که بخاید پول شارژش رو بدید."

" گاهی ما میخایم ماهواره نگاه کنیم و می دونیم اونا علاقه ای ندارند پس باید شرایطی ایجاد نکنیم که اون ناراحت بشه، یا مثلا من علیرضا افتخاری یا شجریان گوش میدم حالا اون ممکنه علاقه ای داشته باشه یا نداشته باشه اما باعث آزارش نشم "

" اخلاق همسر من اینه که اگه نخواد اون روز بیرون بره خودش صبح موقع نماز ماشین رو میبره بیرون."

همکاری به سود فرد/ محاسبه

همکاران بر این باورند که منافع همکاری هزینه های آن را جبران خواهد کرد.
در این زمینه افراد اظهار می دارند:

" پارکینگ ظرفیت نداشت و سقف کاذب ایجاد کردیم و همه ی همسایه ها همکاری کردند."

" نیاز به گذاشتن در حفاظ برای ساختمان ها و سایبان داشتیم. اینها بستگی به کمبود و نیازهای مجتمع داره. گاهی مدیر یا فرد دیگه ای این کمبود را احساس می کنه پیشنهاد میده و انجام میگیره"

" سر پارکینگ توافق کردیم که کی زودتر بره ، کی دیرتر بره ماشینشو اول و اخر بزنه.مثلا قسمت دم درمربوط به صاحب خونست نه به دلیل این که صاحب خونه است چون کاری نداره فقط من و بالایی میریم بیرون. باز من چون رفت و امدم بیشتر بود مثلا چهار بار در روز میرم بیرون و میام من میزارم وسط که برای بقیه راحت تر باشه."



سازماندهی کنش‌ها

منابع شامل درون داده‌های انسانی هستند که برای ایجاد و بقای یک گروه همکار ضروری اند. در نقل قول‌های زیر برنامه ریزی صحیح مدیر بر اساس ساعات کاری جهت تعیین جای پارک، رفع مشکلات ساختمانی در اسرع وقت با فراخواندن سریع تعمیرکار، تعویض لامپ و مانند آن نشان دهنده‌ی سازماندهی کنش‌ها در گفتار مصاحبه‌کننده می‌باشد.

خط مشی صحیح مدیریت

فردی که گروه همکار را دور هم جمع می‌کند از مهارت‌های خط مشی صحیح و سازمان‌دهی امور و مشکلات برخوردار است. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"مجتمع زمانی بر وفق مراد ساکنین هست که مدیر ساختمان کار خودش رو خوب انجام بده."

"سقف نم میزد توافق کردیم برای ایزوگام یا برق راه پله رو تایمر دار کردیم چون گاهی شب تا صبح روشن بود"

"مهمترین ویژگی که در زندگی آپارتمانی هست بستگی به مدیر دارد اگه مدیر برنامه ریزی خوبی داشته باشه که هیچ مشکلی پیش نیاد مثلا قبض گاز و نظافت اینها صورت میگیره. توی تابستون‌ها قبض یکسانه ولی در زمستان کسی که مترای کمتری داشته باشه کمتر پرداخت میکنه. مدیر ساختمان همه‌ی اینها رو از قبل با مستاجرهای در میون می‌گذاره بدون این که هیچ مشکل خاصی پیش بیاد. مثلا قضیه‌ی پارکینگ که به خاطر ساعت رفت و آمدهای متفاوت مشکل داشتیم این پیشنهاد از طرف مدیر ساختمان بود که با برنامه ریزی درست تونست این مشکل رو برطرف کنه. و قرار شد به ترتیب ماشین‌هاشون رو پارک کنند"

مدیریت خوب دارای مهارت سازماندهی کنش‌های و ارتباط‌های میان فردی است که اگر برنامه ریزی و خط مشی مناسبی را به کار ببرد سایر همسایگان به همکاری و کنش جمعی مشتاق تر می‌شوند.

فراخواننده‌ی ماهر

فردی که گروه همکار را دور هم جمع می‌کند از مهارت‌های برقراری ارتباط میان فردی و سازمان‌دهی برخوردار است و این نقش را با بی‌طرفی و بدون غرض ورزی انجام می‌دهد. این فرد به دلیل برخورداری از چنین ویژگی‌هایی در میان اعضای همکار دارای مشروعیت و مورد احترام هست.

در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"تا حالا شده آسانسور چند بار خراب شده و کسی توش گیر کرده که مدیر ساختمان زنگ زده و درست کرده."



جدول ۱: یافته‌های تحقیق

مقوله‌ی هسته (کدگذاری گزینشی)	مقولات عمده (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
همکاری	ضعف معماری ساختمان‌ها و تداخل حریم خصوصی	محدودیت‌های ساختاری
	حس مکان	
	امکان‌ات فیزیکی مجتمع‌ها	
	محدودیت‌های زمانی	
	منابع مالی کافی	
	درون‌گرایی	خصایص شخصی همکاری‌گریز
	واگرایی ارزشی	
	بی‌نظمی	
	سازش‌ناپذیری	
	انطباق‌ناپذیری	
ارتباطات باز و منظم	مختصات روابط اجتماعی	
ایجاد پیوندهای ارتباطی غیررسمی و رسمی		
اعتماد/ارتباطات تعریف شده		
درک و احترام متقابل		
همکاری به سود فرد		
تعامل اجتماعی سرد		
خط مشی صحیح مدیریت	سازمان‌دهی کنش‌ها	
فراخواننده ماهر		
		آلودگی صوتی ناشی از کیفیت بد ساختمان، حس مالکیت همراه با ماندگاری بیشتر در ساختمان، شرایط ایجاد تغییرات عمده در ساختمان مانند ایجاد فضای سبز.
		ترجیح دایره ارتباطات محدود، ارزش‌ها و عقاید مشترک، بدقولی و بی‌نظمی در رفتارهای روزمره، پشت‌گوش انداختن پرداخت شارژ، نداشتن زمان برای ایجاد رابطه، گرفتاری‌های روزمره، فردگرایی، موقعیت سنج و زمان سنج نبودن برخی همسایگان، بی‌تفاوتی و سازش با برخی مشکلات ریز، صیوری، گذشت و فداکاری، تحمل سرو صدا تا مقدار مشخص، خود را به جای همسایگان گذاشتن، حساسیت نسبت به تذکر دادن، سختی و دردهای تغییرات عمده.
		برخورد سرد در ایجاد روابط، بهانه آوردن برای ایجاد رابطه، در میان گذاشتن مشکلات ساختمان و تذکر دادن به یکدیگر مانند نظافت، سرو صدا، گاز مشترک، ذهنیت مشخص نسبت به همسایگان، تعیین حدود همسایگی در ذهنیت افراد، احترام به تذکرات همسایگان، عدم ایجاد آلودگی صوتی، توافق بر سر پارک و سایر موارد، همکاری در جهت رفع نیاز و مشکل خود فرد.
		برنامه ریزی صحیح مدیر بر اساس ساعات کاری جهت تعیین جای پارک، رفع مشکلات ساختمانی در اسرع وقت با فراخواندن سریع تعمیرکار، تعویض لامپ و مانند آن.



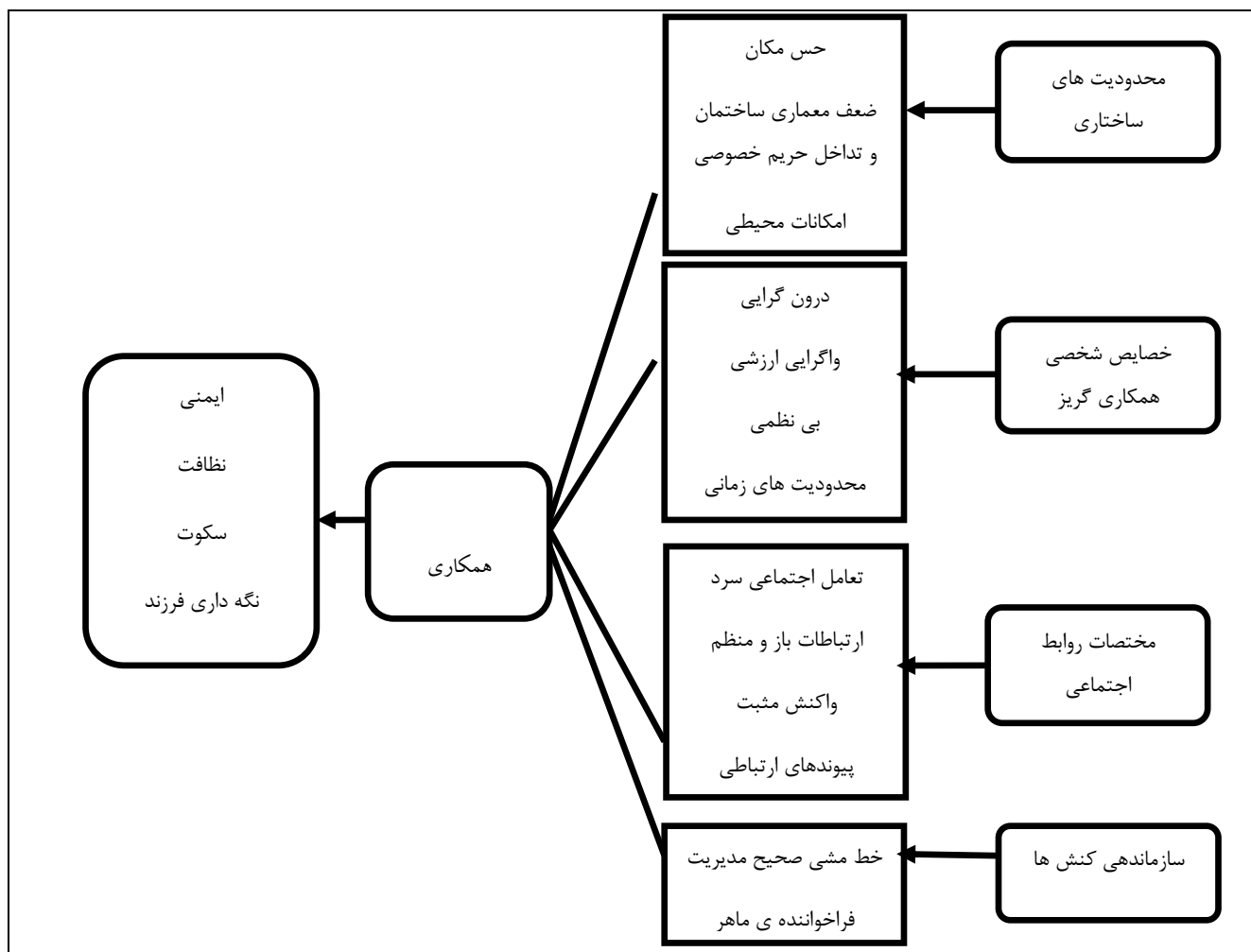
نتیجه گیری

توجه به نفع فردی در مجتمع‌های مسکونی، نادیده گرفتن حقوق جمع و از بین رفتن نظم اجتماعی یکی از سوالات و معضلات اساسی پژوهشگران می‌باشد. کم بودن تمایلات جمع‌گرایانه و ناتوانی در تولید کالاهای جمعی در هر جامعه‌ای و یا اجتماع کوچک‌تر مانند مجتمع‌های مسکونی می‌تواند پیامدها و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. این امر سرمایه‌های کوچک و پراکنده را بی‌اثر کرده، تلاش‌های خرد و دارایی‌های جمعی افراد را هدر می‌دهد و محیط نامنی را برای افراد به وجود می‌آورد که از لحاظ روحی و روانی بر کیفیت زندگی افراد تاثیر گذار می‌باشد. از اینرو نگارنده به بررسی همکاری، خیر جمعی و عوامل آن در مجتمع‌های مسکونی می‌پردازد.

جهت انجام این بررسی از روش نظریه زمینه‌ای استفاده گردید. جامعه‌ی آماری تحقیق، مجتمع‌های مسکونی شهر مشهد می‌باشد که بر اساس شیوه‌ی نمونه‌ی گیری در روش کیفی، سه مجتمع مسکونی (۷ واحد، ۴ واحد و ۳ واحد) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. مناسب‌ترین شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در روش زمینه‌ای مصاحبه‌ی عمیق با افراد است که در این تحقیق ۱۴ مصاحبه در مورد خانوار صورت گرفت.

داده‌های جمع‌آوری شده پس از پیاده‌سازی، کدگذاری شدند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که چهارمقوله محوری در ضعف و یا تقویت همکاری، نقش اساسی ایفا می‌کند که عبارتند از: محدودیت‌های ساختاری، خصایص شخصی همکاری گریز، مختصات ارتباطی، سازماندهی کنش‌ها. بر اساس مدل اشتراوس و کوربین (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰) مدل زیرنیز اتخاذ گردید.

شکل ۱: مدل پارادایمی نظریه‌ی زمینه‌ای



در مقوله‌ی محدودیت‌های ساختاری می‌توان گفت کنش‌های افراد در مکان نمود پیدا می‌کند. ساختارهای کالبدی و فیزیکی زمینه‌ی شکل‌گیری کنش‌ها هستند، بنابراین در شرایطی که کالبد مجتمع‌های مسکونی اجازه‌ی همکاری نمی‌دهد نمی‌توان انتظار شکل‌گیری کنش‌جمعی را داشت. این پژوهش نشان داد که معماری ساختمان در تفکیک فضاهای خصوصی و نیمه‌عمومی موجب انزوای افراطی و انفعال ساکنان می‌شود. از یک سو نفوذ صدا به خانه‌های همسایگان موجب نارضایتی و در نتیجه سکوت بیش از حد آنان می‌شود و از سوی دیگر کنشگران سعی می‌کنند این نفوذ صداهای خصوصی را با ایجاد فاصله اجتماعی جبران کنند.

علاوه بر این، حضور بلند مدت یا وجود چشم‌انداز سکونت بلند مدت در یک مکان موجب می‌شود افراد سرمایه‌گذاری‌های مالی و اجتماعی بیشتری انجام دهند. مستاجرانی که تنها برای یک سال در مجتمعی زندگی می‌کنند سرمایه‌گذاری فراوان برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی را به صرفه نمی‌دانند و حتی تمایل زیادی به بهبود کیفیت زندگی عینی محیط هم ندارند. در ویژگی‌های شخصی همکاری‌گرایز نیز می‌توان گفت، مدرنیته ناقص شخصیت‌هایی را به وجود آورده است که نه دارای خصایص شخصیت‌های سنتی هستند و نه خصایص شخصیت مدرن؛ نه آنقدر عام‌گرا هستند که بتوانند در کنار غریبه‌ها



زندگی کنند و نه آنقدر خاص گرا هستند که تمایل به زندگی در کنار خویشاوندانشان را داشته باشند. علاوه بر این ویژگی هایی چون درون گرایی، سازش ناپذیری، بی نظمی، واگرایی ارزشی و پر مشغله‌گی منجر به ضعف همکاری و کنش جمعی می گردد. افراد درونگرا و پرمشغله تمایل به گسترش شبکه اجتماعی خویش ندارند. این دسته از افراد به خانه به عنوان محلی برای خواب و استراحت نگاه می کنند از اینرو تمایل دارند کمترین هماهنگی بین آنها و سایرین صورت بگیرد و به همین دلیل همکاری بدون هماهنگی پیامد این امر می باشد. مختصات روابط اجتماعی نشان دهنده ی تعاملاتی بین همسایگان را میباید. اعتماد و پیوندهای ارتباطی بیشتر بین افراد مجتمع مسکونی و همچنین گسترش کانال های ارسال و دریافت اطلاعات در افزایش همکاری نقش موثری ایفا می نماید.

علاوه بر موارد فوق چنانچه فردی در مجتمع های مسکونی دارای قدرت و توان کنترل مرکزی باشد که بتواند گروه همکار را دور هم جمع کند و از مهارت های برقراری ارتباط میان فردی و سازمان دهی برخوردار باشد همکاری را در بین افراد افزایش می دهد. این فرد به دلیل برخورداری از چنین ویژگی هایی در میان اعضای همکار دارای مشروعیت و مورد احترام هست. شکل گیری کالای جمعی پیامد چنین تعاملاتی در مجتمع مسکونی می باشد. سرمایه اجتماعی، سکوت، نظافت، ایمنی و نگه داری از فرزند و همکاری بدون هماهنگی از جمله کالاهای جمعی است که در صورت شکل گیری کنش جمعی در مجتمع مسکونی به وجود می آید.

منابع

ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹)، آپارتمان نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ایران، زاهدان.

اسپتسیاله، هلن استروبرت. (۱۳۸۹). تحقیقات کیفی در پرستاری: پیشرفت در زمینه ویژگی های انسانی. ترجمه ی مصطفی شوکت آبادی. تهران: صالحی.

اشتراوس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۰) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.

اصغرپور ماسوله، احمدرضا و همکاران (۱۳۸۸)، تحلیل کنش های جمعی و تطبیق آن با مورد بافت فرسوده منطقه ثامن در مشهد، مجله ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ششم.

پرتوی، پروین و دیگران (۱۳۸۹) بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه ریزی شده، فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۳.

پرویزی، سرور، ادیب حاج باقری، محسن، صلصالی، مهوش. (۱۳۸۲). روش های تحقیق کیفی. تهران: بشری.

جوادی یگانه، محمدرضا و هاشمی، سید ضیا (۱۳۸۶)، نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع گرایی در جامعه شناسی، نامه ی علوم اجتماعی، شماره ۳۳.

شریعتی، صدرالدین (۱۳۹۰) درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال چهارم، شماره ۱۳.

فلیک، ا (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.



قمی، شیخ عباس (۱۳۵۸) سفینه البحار، ترجمه محمدباقر ساعدی.

کاویانی، محمد (۱۳۹۰) کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، مجله روان شناسی و دین، سال چهارم، شماره دوم.

کجباف، محمدباقر (۱۳۹۰) رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، مجله روان شناسی و دین، سال چهارم، شماره چهارم.

محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۰)، مطالعه میزان مشکلات آپارتمان نشینی و عوامل تأثیر گذار بر آن در کرج، علوم اجتماعی "تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۶۰.

محمدپور، ا. محمدتقی ایمان (۱۳۸۷) بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه‌ی اورامان تخت کردستان ایران: ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۸.

معیدفر، سعید و دربندی، علیرضا (۱۳۸۵) بررسی رفتار و نگرش جمع گرایانه‌ی شهروندان تهرانی، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳.

Argawal, A. and Goyal (۲۰۰۱): "Group size and collective action –Third- parts monitoring in common-pool resource." Comparative political studies. ۳۴: ۶۳-۹۳.

Axelrod, Robert (۱۹۸۴): The Evolution of cooperation: basic books.

Bandiera, O.I. Barankay, and I. Rasul (۲۰۰۵) "cooperation in collective action." Economics of Transition ۱۳: ۴۷۳-۴۹۸.

Berejikian, J. (۱۹۹۲): "Revolutionary collective action and the agent structure problem." American political sciences review ۸۶: ۶۴۷-۶۵۷.

Brown, J.S. and T.L. Vincent (۲۰۰۸): "Evolution of cooperation with shared costs and benefits." Proceeding of the royal society B-Biological Sciences ۲۷۵: ۱۹۸۵-۱۹۹۴.

Chen, J. M., Suen, M. W., Chiu, S. C., & Lin, M. J. (۲۰۰۴, October). Social dilemma studies in Taiwan. In international journal of psychology (Vol. ۳۹, No. ۵-۶, pp. ۵۷۷-۵۷۷). ۲۷.

Kanazawa, S. (۲۰۰۰): "A new solution to the collective action problem: The paradox of voter turnout." American sociological review ۶۵: ۴۳۳-۴۴۲.

Kollock, P. (۱۹۹۸) "Social dilemmas: The anatomy of cooperation" Annual Review of Sociology, Vol: ۲۴, Pp. ۱۸۲-۲۱۴.

Lim, A. (۲۰۰۸): "Transnational feminist practices in Hong Kong: mobilization and collective action for sex workers rights" Asia pacific journal of anthropology ۹: ۳۱۹-۳۳۱.

Marwell, G.P.E. Oliver, and R. Prahal (۱۹۹۸): "social network and collective action – a theory of the critical mass .۳." American journal of sociology ۹۴: ۵۰۲-۵۳۴.

Ostrom, E. (۲۰۰۰): "collective action and the evolution of social norms," journal of Economic perspectives ۱۴: ۱۳۷-۱۵۸.